

در آستانه میلاد امام هشتم، به یک کتاب جدید سری زده‌ایم

داستانی جرأت‌دار با یادی از قیصر

کند ضرورت بیشتری می‌یابد. در میان آثار متعدد ترجمه غربی و غیر بومی، ما به کتاب‌هایی که به تقویت هویت و اصالت و تربیت دینی و ملی‌مان کمک کنند بسیار نیاز داریم.

شاید گاه خسته‌کننده هم به نظر برسند.

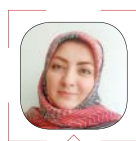
ضرورت

نوشتن درباره معقولات دینی و اعتقادی، مهم و ضروری است و این اهمیت برای مخاطب کودک و نوجوان که قرار است نهال باورها و اعتقاداتشان رشد

باید اعتراف کنم که دادن چنین اطلاعات جانبی جالب و مفیدی در دل یک رمان را خیلی دوست داشتم. حالا هر نوجوانی این کتاب را بخواند، زنده یاد قیصر امین‌پور را هم خواهد شناخت و حداقل یک بار در عمرش شعر بی‌نظیر او را خوانده است؛ می‌خواهم چنان که شب خسته خواب را...

کشف

عادت دارم به طرح جلد‌ها دقت کنم. دقیق می‌شوم که ببینم از عناصر موجود روی جلد چه حدسی درباره کتاب می‌توان زد. آیا می‌توان موضوع را تشخیص داد؟ آیا می‌توان تعداد شخصیت‌های اصلی را



عطیه‌هراتی مطلق

روزنامه‌نگار

حدس زد؟ آیا حرف اصلی کتاب در دل طرح روی جلد وجود دارد؟

این سوالات را با دیدن جلد کتاب «من ضامن» هم از خود پرسیدم؛ سایه زنی فانوس در دست، سایه مردی، آسمان و ماه، گل‌های شاداب اطراف و در نهایت آهویی ایستاده در کنار شمایل مردانه. ترکیب اسم کتاب و آهو، خیلی زود مرا به نتیجه رساند؛ یا ضامن آهو! و این پیش فرض و ذهنیتی بود که بر اساس آن خواندن این رمان را شروع کردم.

چند صفحه ابتدایی داستان و ریتم تند حوادث و هیجان بالای آن، غافلگیر کرد و راستش از این حجم انرژی جاری در صفحات نخستین داستان تعجب کردم. داستان، سرحال داشت پیش می‌رفت. درست مثل شخصیت‌هایش که هر یک انرژی قابل قبولی داشتند و خیلی زود جایشان را در ذهن خواننده تثبیت کردند.

جرأت

نوشتن درباره موضوعی مانند «ضمانت» و «ضامن شدن» غریب و سخت است؛ به خصوص اگر قالب انتخابی برای نوشتن این مقوله، رمان و داستان انتخاب شود و به خصوص تراگر قرار باشد برای نوجوانان این دوره و زمانه نوشته شود. اما نویسنده‌ای مانند «مصطفی خرامان» که سال‌ها برای کودکان و نوجوانان قلم زده و نوشته است، این جرأت را دارد که درباره موضوعی این چنینی یک رمان بنویسد و ذهن خواننده را درباره یک مقوله اخلاقی مهم اما غریب، درگیر کند. خرامان، من ضامن را چالشی شروع می‌کند و خواننده را پای کتاب نگه می‌دارد تا ببیند بالاخره سرنوشت این دردسرها به کجا می‌رسد. این شروع خوب داستان، کمک می‌کند مفاهیم مهمی که نویسنده می‌خواسته به مخاطبش منتقل کند، جرعه‌جرعه بنوشاندش و به کامش بنشانند.

قیصر

در جایی از داستان، رادیو شعری می‌خواند که شخصیت نوجوان قصه جذب آن شعر می‌شود و می‌رود سراغ شعر و شاعرش که درباره آن بیشتر بداند.

فحش

نویسنده تلاش کرده است تا جایی که می‌شود، در گفت‌وگوها، کلمات و عباراتی انتخاب شوند که برای مخاطب مأنوس و باورپذیر باشد. برای من گفت‌وگوها و جدل‌های خواهر و برادر قصه، شیرین و دوست داشتنی‌تر از بخش‌های دیگر بود؛ به خصوص این‌که هر جا لازم بود ناسازی‌ها نصیب دیگری شود، این فحش به راحتی جاری می‌شد. خوشحالم که نویسنده تلاش نکرده است کلمات عادی و روزمره زندگی را سانسور کند و هر جا لازم بوده، آدم‌ها فحش داده‌اند و خشم و دلخوری خود را به صورت کاملاً واقعی بروز داده‌اند.

عجله

در انتهای یک سوم ابتدایی رمان، اتفاقی می‌افتد که پیش‌بینی‌ناپذیر و غافلگیرانه است؛ مرگ یکی از شخصیت‌های داستان! این اتفاق، با این‌که کوچک و کم‌اهمیت نیست و نباید باشد، اما به درستی و به اندازه کافی به آن پرداخته نشده است. دوره سوگواری وجود ندارد و درد و رنجی از این مرگ ناگهانی به خواننده منتقل نمی‌شود. این مساله یکی از بزرگ‌ترین ضعف‌های کتاب است. خواننده حس می‌کند شتاب‌زدگی نامعقولی در این برهه از داستان هست که اتفاقات بعدی و ازدواجی که پس از این مرگ به وقوع می‌پیوندد، تکمیل‌کننده این چرخه غیرقابل باور و هضم نشده است.

من ضامن

اسم یکی از هشت فصل کتاب، من ضامن است. در این فصل نویسنده قصد داشته تا حرف‌های مهمی را با خواننده در میان بگذارد. او تلاش کرده است این انتقال محتوا در بستر داستان و به صورت باورپذیری منتقل شود. به همین دلیل از فضای کلاس و ارائه مقاله استفاده می‌کند. شخصیت اصلی برای هم‌کلاسی‌هایش مقاله‌ای می‌خواند که متن این مقاله، همه آن چیزی است که درباره ضمانت و داستان ضامن آهو باید به خواننده برسد. نوع حرف‌هایی که در این فصل است، فضایی داستانی و سرگرم‌کننده ندارد؛ حتی



آگهی مزایده

شماره ۲۵۸-۱۴۰۱

شرکت تراکتورسازی ایران (سهامی عام) در نظر دارد، اقلام مزاد بر نیاز خود را از طریق **آگهی مزایده به فروش برساند**. داوطلبین محترم می‌توانند از تاریخ انتشار این آگهی لغایت آخر وقت اداری روز **سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۲۴** جهت رویت و شرکت در مزایده از ساعت ۹ الی ۱۴ به جز روزهای تعطیل مراجعه فرمایند، ضمناً به پیشنهادات ارسالی از طریق پست نیز ترتیب اثر داده می‌شود.

شماره تماس و آدرس اینترنتی: **www.itmco.ir** - ۰۴۱-۳۴۲۴۶۰۱۱ - ۰۴۱-۳۴۲۹۶۳۹۳

آدرس جهت رویت و تحویل پیشنهادات: آذربایجان شرقی، تبریز، جاده سردرود، شرکت تراکتورسازی ایران، ساختمان مرکزی، طبقه سوم، تدارکات و انبارها، مزایده آدرس جهت رویت تراکتورهای باغی
آذربایجان غربی، ارومیه، کیلومتر ۱۲ بزرگراه شهید کلانتری روبروی شهرک صنعتی، فاز یک تراکتورسازی ارومیه
لیست اقلام و مدارک لازم برای ثبت نام در سایت شرکت موجود می‌باشد.

ردیف	نام اقلام	مقدار	محل استقرار
۱	تراکتور باغی کمرشکن ۹۳۸	۲۰ دستگاه	شرکت تراکتورسازی ارومیه
۲	تراکتورهای (۳۹۹ جفت دیفرانسیل)	۱۰ دستگاه	انبار مزایده شرکت تراکتورسازی تبریز
۳	تراکتورهای تصادفی (۴۷۵، ۸۰۰)	۶ دستگاه	انبار مزایده شرکت تراکتورسازی تبریز
۴	کابین تراکتور	۲ دستگاه	انبار مزایده شرکت تراکتورسازی تبریز
۵	بشکه خالی ۲۰۰ لیتری	عدد (۲۰۰ عدد)	انبار مزایده شرکت تراکتورسازی تبریز
۶	سیم کارت دائمی همراه اول	۵ عدد	انبار مزایده شرکت تراکتورسازی تبریز

روابط عمومی و امور بین‌الملل گروه صنعتی تراکتورسازی ایران

برگ سبز و برگ کمپانی موتورسیکلت
راکز ۱۲۵ مدل ۱۳۹۳ مشکی به شماره
پلاک ۵۸۷۵۷ ایران ۱۱۲ شماره شاسی
125R9311230 و ۲G***N2G
به نام حسن افشاری
0H5DD1012134
مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند و فاکتور فروش خودرو
ام.وی.ام X33 به شماره شاسی
NATGBAXK1C1023394 و شماره موتور
MVM484FAFA023455 مفقود گردیده
و فاقد اعتبار است.